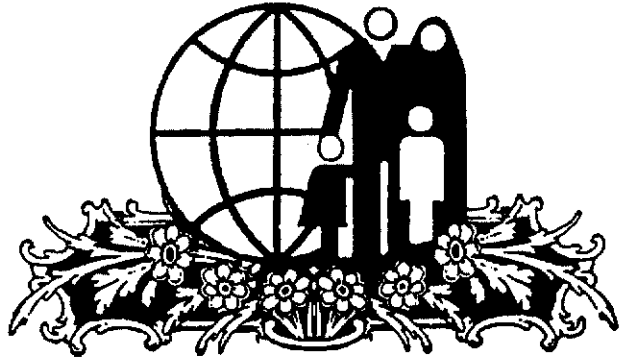


دکتر علی قائمی



## بنیاد خانواده در اسلام و غرب

- اسلام در گزینش همسر تکیه بر کفویت دارد و سفارش به ازدواج با آن کس که کفو است می‌کند: **وانکحو الاکفاء**<sup>۱</sup>، غرض از کفو؛ همتا، همسر، همشأن و هم سطح و هم‌رتبه است که خود ملاک‌های زیر را در بر دارد.  
- در کفویت تکیه بر ایمان است. مؤمنان کفو یکدیگر خوانده شده‌اند،<sup>۲</sup> اما غرب کاری به ایمان و عقیده همسر ندارد.

- تکیه بر اخلاق است و درباره آن امام رضا علیه‌السلام فرمود: اگر فرد بد اخلاق است با او ازدواج مکنید.<sup>۳</sup> با کسی ازدواج کنید که از دین و اخلاقش راضی باشید<sup>۴</sup> و غرب را در گزینش همسر به این مسأله کمتر عنایت است.  
- تکیه بر فردی است که اعتیاد به الکل نداشته باشد، که پیامبر (ص) فرمود: دادن دختر به شرابخوار قطع رحم است<sup>۵</sup> و غرب آن را مسأله‌ای نمی‌داند.

- عفت و توانایی گرداندن چرخ زندگی توصیه اسلامی است،<sup>۶</sup> و غرب عفت را نسبی فهمد. چرخ زندگی را هم دیگران می‌چرخانند و بعد اقتصاد خانواده هم صورت طرفینی دارد.

در بخش نخست این مقاله، تفاوت میان دیدگاه اسلام و غرب در مورد اصل وجود خانواده، ریشه‌ها و علل تفاوت‌ها و دامنه اختلاف در مورد تعریف خانواده، اهمیت تشکیل خانواده، سن ازدواج و اهداف تشکیل خانواده مطالبی بیان شد. اینک به ادامه بحث می‌پردازیم.

### ۶- در ملاک انتخاب

در گزینش همسر و در مورد ملاک‌ها برای انتخاب احسن نیز بین اسلام و غرب تفاوتها وجود دارد.

به ازدواج نمی دهند، در حالی که قرآن وعدهٔ رفع فقر در سایهٔ ازدواج را داده <sup>۱۴</sup> و حتی امام صادق (ع) ترک ازدواج از ترس فقر را نوعی سوء ظن به خدا ذکر کرده است <sup>۱۵</sup>. سفارش صریح پیامبر به جوانان این است که ازدواج کنند که آن امری موجد رزق و روزی است. <sup>۱۶</sup> و می دانیم که گوش غرب به این وعده ها و سفارشها بدهکار نیست، زیرا همه چیز را در روابط علت و معلولی مادی خلاصه می بیند.

همچنین در اسلام برای رعایت حرمت زن، و ارزش دادن به وجود و مقامش، که بعدها در ایفای نقش همسری و مادری او مؤثر خواهد بود، در جهت خواستگاری، مرد را به در سرای زن می فرستد تا محترمانه از او خواستگاری و دعوت به عمل آید که برای یک زندگی مشترک با هم پیمان ازدواج ببندند. اما همان گونه که می دانید در غرب، از عزت و گرانقدری زن بحثی نیست. ازدواج در سایهٔ برق عشق است و این برق زدن ها!! ممکن است در کوچه و خیابان اتفاق افتد، یا در اتوبوس و قطار یا در کلاس درس و یا در یک محل تفریحی و گردشگاه!! و تازه آنجا که امکان مستی، تجاوز به عنف و حتی اسلحه کشیدن مطرح باشد، دیگر چه نیازی به این امور و مسائل؟

- تکیه بر دینداری و پای بندی به تعالیم دینی است که کلید رشد و هدایت در سایهٔ ایمان <sup>۷</sup> و سفارش به ازدواج با فردی موضع دار و دارای دین است. <sup>۸</sup>

- تکیه بر اصالت خانوادگی و ازدواج با کسانی است که ریشه دار و اصیل باشند. ما را از ازدواج با فردی زیباروی و لسی از خانوادهٔ غیراصیل منع کرده اند. <sup>۹</sup> در غرب برق عشق همهٔ اینها را تحت الشعاع قرار می دهد.

- معیارهای شرعی در اسلام مطرح است و نمی توان حکم خدا را در مجاز بودن یا عدم اجازه داری در ازدواج با فرد یا گروهی خاص نادیده گرفت. <sup>۱۰</sup>

در اسلام برخی از ملاکها به عنوان معیاری اصیل مورد منع است، <sup>۱۱</sup> مثل معیار قدرت اقتصادی، معیارهای زیبایی، وضعیت و طبقهٔ اجتماعی...، اما در غرب این ملاکها اصل است. اسلام جاذبه های سطحی، زیبایی ظاهری، برق عشق، ثروت و مقام و... را توجیهی برای ازدواج نمی شناسد و حتی اگر ازدواج صرفاً بدان خاطر صورت گیرد، خدای به چنین افرادی وعدهٔ محرومیت و عدم وصول به چنان مقاصد را داده است. <sup>۱۲</sup>

#### ۷- در اقدام به تشکیل خانواده

در زمینهٔ تشکیل خانواده بین اسلام و غرب از جهات متعددی تفاوت است. بسیاری از غریبان عزوبت (فعالاً به معنای عدم تشکیل خانواده) را می پسندند و ظاهراً عذب می مانند. در حالی که اسلام بیشتر دوزخیان را عذبها می شناسد. <sup>۱۳</sup> و حتی اصرار دارد جوانان به تشکیل خانواده پردازند.

البته بسیاری از افراد به خاطر ترس از فقر تن

#### ۸- در اساس تشکیل خانواده

در تشکیل خانواده در اسلام دو اصل مهم و اساسی مطرح است:

- یکی اعمال اراده و قبول تأسیس خانواده توسط دختر و پسر که در این امر غرب با ما شرکت دارد.

- و دیگری قبول تکالیف و حقوق شرعی، که پیش از ازدواج خدای آن را برای بشر معین

است<sup>۲۴</sup>، به این معنی که پدر نیز باید به ازدواج دختر باکره اش با فرد مورد نظر رضا دهد<sup>۲۵</sup>. این شرط فقط در جهت حفظ مصالح دختر مطرح است نه در جهت اقناع هوس پدر. به عبارت ساده تر شرط رضای پدر تا زمانی ارزش و ضرورت دارد که او در طریق خیرخواهی و تأمین سعادت دختر بخواهد گام بردارد، و در آن گاه که این اندیشه خلاف در آید آن شرط ضرورت نخواهد داشت<sup>۲۶</sup>. رمز مسأله این است که در عرصه حیات اجتماعی اسلام، زنان و دختران جز به ضرورت حضور ندارند و در نتیجه به مفاسد و حيله گری ها، به عوارض روابط مغشوش و توأم با فریب مردان آنها را اطلاعی نیست. به همین خاطر ممکن است در پیمان ازدواج دچار حيله و فریب شوند و عمری را در بدبختی و ناکامی به سر برند.

اسلام پدران را که دارای حضوری چشمگیر در جامعه اند و از اسرار و جریانات زندگی سر در می آورند مشاور و همراه دختران کرده، سعی دارد از تجربه آنها فرزندان را بهره دهد، با توجه به این نکته که آنها خیرخواه دختران و پسران خود هستند.

البته پدر حق ندارد دخترش را به عقد فردی فاسق درآورد که در آن صورت به فرموده پیامبر برای هر روز او هزار لعنت خداست!<sup>۲۷</sup> پدر مجاز نیست که دخترش را محملی برای دستیابی خود به ازدواج با دیگری<sup>۲۸</sup> قرار دهد، یعنی مثلاً او را به ازدواج کسی درآورد به این شرط که او هم دخترش را به ازدواج وی در آورد و ...<sup>۲۹</sup> و یا برای مال و ثروتی ازدواج او را امضا کند.<sup>۳۰</sup> ... و به همین گونه است ازدواج های غیر منطقی و غیر معقول و ...

و شما می دانید که در غرب چنین ضوابطی

کرده، ما را حق پیشی گرفتن بر خدا در اجرای یک حکم یا یک دستور نیست<sup>۳۱</sup>.

- آری، در بینش اسلامی فرمان خدا بر روابط و قراردادها حکومت و اولویت دارد<sup>۳۲</sup> و در اصطکاک بین حکم خدا و مردم، فرمان خدا مقدم است<sup>۳۳</sup>. این اندیشه خود سبب پدید آمدن مسؤولیت های جدید در زندگی مشترک و مرزرداری آزادی هاست. حکم خدا در ازدواج با قرارداد زائل شدنی نیست. مثل حکم ازدواج با محارم<sup>۳۴</sup>، مسائل مربوط به حقوق و نوع روابط و ...

در غرب بحث حقوق بسیار اندک و محدود است و تازه به همان مقدار هم مبتنی بر قرارداد فیما بین است که آن نیز از ضمانت اجرایی محکمی برخوردار نیست<sup>۳۵</sup>. طرفین هر آن گاه که بخواهند می توانند قول خود را نادیده بگیرند و به متارکه پردازند، در حالی که این امر در اسلام از ضمانت اجرایی محکمی برخوردار است<sup>۳۶</sup>، زیرا نظام آن از جانب خداوند است که آگاه و شاهد بر اعمال و رفتار ماست.

## ۹- در مرز آزادی و انتخاب

پسر و دختر حق انتخاب دارند و به هیچ صورتی نمی توان آنها را به ازدواج با دیگران مجبور کرد. فرد حق دارد پس از فراهم آمدن مقدمات لازم، همسر آینده اش را ببیند و او را ببیند. حتی زیبایی ها و موی او را و نیز راه رفتن او را تماشا کند<sup>۳۷</sup> (بدون قصد لذت) و این مسأله ای است که در غرب هم بدون سابقه نیست، اگرچه شرط عدم لذت برایشان مطرح نیست!!

ولی در اسلام برای ازدواج دختر، پس از انتخاب، شرط رضای پدر هم ذکر شده

بر اساس سوابق و آگاهی‌ها در آن موارد اقدام کند.

- در غرب بسیاری از روابط میان زن و مرد و پسر و دختر، به صورت آزاد، و به دور از رسمیت قانونی و یا ثبت در دفاتر است و برای این امر پی آمدهایی بسیار، از آن جمله: سقط جنین، امراض مقاربتی، نابسامانی و آشفتگی‌های بعدی در زندگی وجود دارد.

- بسیاری از ازدواج‌ها رسمیت دارند، یعنی در دفاتر رسمی ثبت و ضبط می‌شوند، اگرچه در مواردی با ازدواج‌های رفاقتی<sup>۳۱</sup> مواجهیم که در آن خود را نیازمند به ثبت و ضبط نمی‌بینند.

- بسیاری از ازدواج‌ها رسمیت ندارند، ولی مشروعیت ندارند. یعنی زن و مرد پس از ثبت مشخصات خود در دفاتر رسمی دیگر نیازی نمی‌بینند که به محضر عقد شرعی بروند و روابط خود را مشروعیت بخشند، و این امر از آن بابت است که برای شرع و دین اعتباری قائل نیستند و آن را در حد تشریفات و مراسم خلاصه می‌بینند.

مطرح نیست. دختر پس از رسیدن به سن قانونی، بدون مشورت با پدر و مادر با هر کس که خواست پیوند زناشویی و حتی رابطه نامشروع برقرار می‌کند و پس از چند صبحی کارشان به جدایی و اختلاف و طلاق کشیده می‌شود.

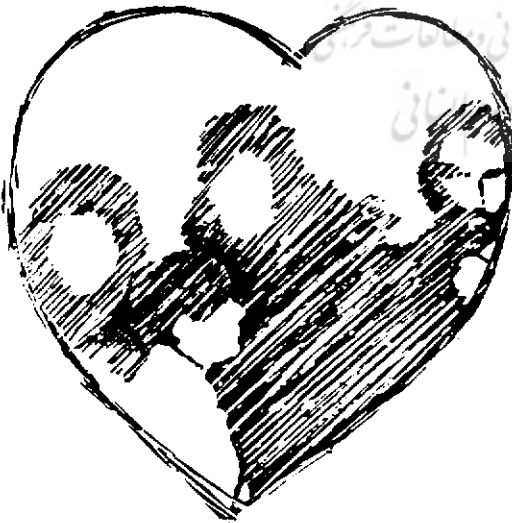
### ۱۰- در رسمیت و مشروعیت

در اسلام زناشویی نوعی قرارداد آزاد و دلخواه نیست که میل و ارادهٔ مرد و زنی در سرنوشت آن دخالت داشته باشد، بلکه در آن مشروعیت و رسمیت هم مطرح است:

الف- ازدواج باید مشروع باشد، یعنی مورد قبول و تأیید پروردگار و بر اساس موازینی باشد که خدای آن را امضا کرده است. ازدواج بدون عقد و نکاح و بدون رعایت موازین شرعی در اغلب جوامع و سنت‌ها و در همهٔ شرایع و ادیان ممنوع و تحریم شده است.

ب- ازدواج باید دارای رسمیت باشد، یعنی در دفاتر رسمی دولت ثبت و ضبط شود تا زمینهٔ مناسبی برای حفظ نظام حکومتی کشور باشد. دولت بداند در کشور او چه خبر است و چگونه باید برنامه‌ریزی، رهبری و اقدامات داشته باشد.

توجه به پی‌آمدهای ناگوار طبیعی و اجتماعی ازدواج‌های نامشروع و بدون رسمیت ایجاب می‌کند که حکومت اسلامی در این ارتباط مراقبت داشته باشد. با اینکه از نظر اسلامی مشروعیت ازدواج کفایت‌کننده است، در نظام حکومتی اسلام به رسمیت آن نیز عنایت شده است. چون ازدواج امری دائمی و داستانی مادام‌العمر است، اگر در جریان و گذران آن مسائلی مطرح شد دولت باید بتواند



### ۱۱- در برقراری عقد

در برقراری پیمان ازدواج در اسلام به غیر از کفویت اعتقادی، عقل و بلوغ طرفین، شرط رضای دو طرف و شرط رضای پدر برای دختر باکره، مسأله مهر مطرح است و دستور قرآن پرداخت مهر است: **وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً.**

مهر در اسلام نشانه‌ای از راستین بودن مرد، درخواست تشکیل خانواده، همزیستی و همدلی با زن است و به همین خاطر مهر را صدق<sup>۳۲</sup>، و یا نحلّه<sup>۳۳</sup> نیز خوانده‌اند و این امر از سوی مردان در ارتباط با زنان است.

مهر می‌تواند به صورت نقد یا نسیه و به صورت پول، ملک، کالا و یا آموزش چیزی باشد، ولی در همه حال اصل بر مشروعیت و حلالیت و قابل تصرف بودن آن است. پس نمی‌توان پرنندگان را در فضا، مساحتی از کرهٔ مریخ، یا حیوان نجسی چون خوک را مهریه قرار داد<sup>۳۴</sup>.

مهر را نقداً باید پرداخت، و در صورت نسیه بودن، هر گاه که ممکن شد، و هر گاه که مطالبه‌ای صورت گرفت باید پرداخت شود. و در همه حال این دینی است بر عهدهٔ مرد که در صورت مرگ از مایملک مرد برداشت و به زن تقدیم می‌شود<sup>۳۵</sup>.

در دنیای غرب مسألهٔ مهریه مطرح نیست و مردان به زنان پرداختی رسمی و مشروع به اسم مرد ندارند و ای بسا که ممکن است مردان چیزی از زنان دریافت کنند تا افتخار ازدواج آنها را با خود فراهم آورند!!

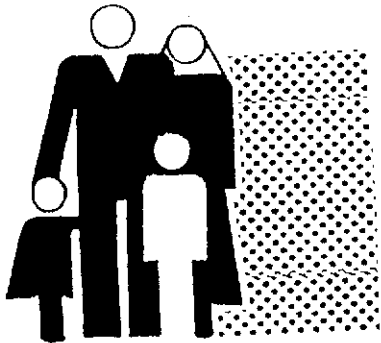
بد نیست متذکر شویم که فلسفهٔ تعیین مهر در اسلام می‌تواند نوعی تضمین، و ایجاد وثیقه باشد تا در روز مبادا زنان مشکلات کمتری در

ارتباط با تنهایی و عدم سرپرستی داشته باشند<sup>۳۶</sup>. به همین دلیل در اسلام ضمن توصیه به عدم تعیین مهر زیاد که می‌تواند عامل کینه و دشمنی گردد<sup>۳۷</sup>، سفارش شده که مسألهٔ مهر را زیاد هم کوچک شمارند.

مهر از زمان عقد به زن تعلق می‌گیرد و اگر این عقد به عروسی منجر گردد مردان باید کل مبلغ مهر را بپردازند، و اگر پس از عقد و قبل از عروسی، کار به جدایی و طلاق انجامد نصف آن را باید پرداخت نمایند<sup>۳۸</sup>.

### ۱۲- در حفظ اصالت خانوادگی

ازدواج از نظر اسلام عاملی برای حفظ وحدت و انس و بیرون آمدن از حالت فردی و رسیدن به حالت مایی، با تکیه به نقاط وحدت و اشتراک است. ولی این امر سبب آن نمی‌شود که خانواده‌ها در سایهٔ ازدواج اصالت نسبی و تباری خود را از دست بدهند. زن و مرد پس از ازدواج اصالت خانوادگی خود را حفظ کرده، عنوان فامیلی خود را دارا هستند. البته در ضمن زندگی مشترک مسألهٔ من و مایی در بین ایشان مطرح نیست و آن گاه که بر اساس حادثه‌ای از هم جدا شدند شخصیتشان مستقل و نام و عنوان تبارشان محفوظ است<sup>۳۹</sup>.



در پیش چشمان آنها قرار داده است.<sup>۲۴</sup> مثلاً تأمین زندگی زن را بر عهده مرد گذارده است،<sup>۲۵</sup> و اطاعت و فرمانبرداری از دستورهای خیرآفرین شوهر را وظیفه زن دانسته است.

بدین ترتیب این حقوق رنگ و هوای دینی دارند و نوعی تکلیف شرعی به حساب می آیند و اعضای خانواده ملزم به رعایت آنها هستند. تخلف از این حقوق، تخلف از فرمان خداست و طبعاً موجب مسؤولیت و بازخواست است و همین باور زمینه و موجبی برای ضمانت اجرایی است.

در ازدواج غرب سخن از حقوق از پیش تعیین شده الهی نیست. بده و بستانها بر اساس شرایط عرف، قانون و یا استنباط شخصی است و طبیعی است که در چنان صورت از ضمانت و اعتبار کافی برخوردار نباشد و در نتیجه گذران امور زندگی و تداوم و ابقای خانواده زیر سؤال است و دلیل ما، بالا بودن آمار طلاق، جداییها و متارکه‌ها در غرب می باشد.<sup>۲۶</sup>

#### ۱۴- در حیات مشترک

زن و شوهر در حیات مشترک نسبت به هم روابطی را برقرار می کنند که از یک سو آن روابط مبتنی بر مسؤولیت وجدانی است و از سوی دیگر مبتنی بر ضوابط اخلاقی و از جهت سوم مبتنی بر حقوق متقابل و بستانها. آنچه به حقوق مشترک مربوط است عبارت است از<sup>۲۷</sup>:

- حسن معاشرت نسبت به یکدیگر و داشتن روابط انسانی و اخلاقی.
- مودت و رحمت که در آن دوستی خالص و دلسوزی بی شائبه است و مورد سفارش قرآن<sup>۲۸</sup>.

در غرب بر اثر ازدواج، زن تغییر نام و عنوان و تبار می دهد. رابطه اش با گذشته و خانواده اش از هم گسسته و سند خویشاوندی و تباری او از میان می رود. زن نام و عنوان خانوادگی شوهر را می گیرد<sup>۲۹</sup> و این امر در ازدواج های بعدی او نیز تکرار می شود و در واقع زن در غرب چون ابزاری در دست شوهر است. یک روز در خانه پدر عنوان و نام خانوادگی پدر را دارد، فردا بانو کندی می شود، پس فردا بانو اوناسیس و برای بار سوم بانو ... و این نوعی حیات ابزاری و نسیان خویش از همه زبندگی های گذشته است.<sup>۳۱</sup>

#### ۱۳- در جنبه حقوق

خدای به مصالح و خیر و سعادت مردان و زنان آگاه است و می داند که چه چیزی را به چه کسی واگذارد. خداوند ازدواج را با همه جنبه های انس و صفا و صمیمیت، با همه گذشت و وحدت و ایثار بر مبنای حقوق متقابل، یعنی بده و بستانها قرار داده است.

خداوند در مفهوم کلمه نکاح که به معنی زناشویی است، و در بطن کلمه انکحت و زوجت دنیایی دیگر از حقوق متقابل، اخلاق و مراعاتها را گنجانده است<sup>۳۲</sup>. زن و مرد در قبال انعقاد صیغه عقد نسبت به هم بده و بستانی پیدا می کنند که طراح اولیه آن پروردگار است. به عبارت دیگر پیش از این که زن و مرد به برقراری شروطی در ارتباط با زندگی خود بیندیشند، خداوند شروط معینی را تعیین کرده و زن و مرد را به رعایت آنها فرا خوانده است.<sup>۳۳</sup>

بر این اساس خدای مقدم بر زن و شوهر تکلیف آنها را معین کرده و تابلویی از وظایف را



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زوجیت که نظام آفرینش بر اساس آن است.<sup>۵۱</sup> زمینه‌های رشد و ترقی و حرکت به سوی کمال یکدیگر را فراهم آوردن و ... و همه موارد فوق را در جهت رضای خدا انجام دادن که ازدواج در اسلام امری عبادی و تن دادن به آن نوعی سنت دینی والهی است.<sup>۵۲</sup>

در غرب حسن معاشرت، مودت و رحمت، مضاجعت و تمکین وجود دارد ولی همه اینها در چهره تلذذ مادی، عیش و عشرت و بدون ضمانت اجرایی الهی است و در آن گاه که لذت و عیش و خوشگذرانی به خطر افتد، نه لباس

- مضاجعت و تمکین، در چهره زناشویی و عروسی که در ازدواج دائم یک اصل به حساب می‌آید.

- ستر و پوشش و لباس هم بودن که مورد سفارش قرآن است<sup>۴۹</sup> و برداشت علمای صاحب‌نظر و علمای گرانقدر از آن<sup>۵۰</sup>، حفظ و صیانت از یکدیگر، مایه زینت هم بودن، ستر و پوشش هم در برابر لغزش‌ها و عیوب بودن و ... است.

- موجبات رشد و کمال هم را فراهم ساختن، نجات خود از فردیت و ورود در عالم

یکدیگر بودن مطرح است ، و نه پاسداری از فرمان خدا .

پی نوشت ها:

- ۱- تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه وانکحوا الایامی .
- ۲- وسایل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴۹ .
- ۳- عیون اخبار الرضا .
- ۴- وسایل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۵۱ .
- ۵- همان، صفحه ۵۳ .
- ۶- بحارالانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۳۷۲ .
- ۷- خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه .
- ۸- بحارالانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۳۵ .
- ۹- مکارم الاخلاق .
- ۱۰- آیه حجرات .
- ۱۱- کافی، جلد ۵ .
- ۱۲- ظرائف الحکم .
- ۱۳- وسایل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۷ .
- ۱۴- آیه ۳۳، سوره نور .
- ۱۵- شرح من لایحضره الفقیه، جلد ۸ .
- ۱۶- سفینه البحار، صفحه ۵۶۱ .
- ۱۷- آیه ۱، سوره حجرات .
- ۱۸- آیه ۴۴، سوره مائده .
- ۱۹- آیه ۵۷، سوره انعام .
- ۲۰- آیه ۲۳، سوره النساء .
- ۲۱- قوی ترین ضمانت اجرایی ، ایمان است که در غرب از آن خبری نیست .
- ۲۲- ضمانت اجرای آن ایمان، اخلاق ، قانون، نظارت اجتماعی و ...
- ۲۳- جواهر الکلام، جلد ۲۹ .

- ۲۴- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۹۳ .
- ۲۵- وسایل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۰۲ .
- ۲۶- شناخت اسلام، مبحث ازدواج .
- ۲۷- مستدرک الوسایل، جلد ۲، صفحه ۵۳۸ .
- ۲۸- نکاح شغار که در جاهلیت مرسوم بوده است .
- ۲۹- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۶۱ .
- ۳۰- روضة المتقین، جلد ۸، صفحه ۱۱۴ .
- ۳۱- بر اساس خط فکری ژان پل سارتر .
- ۳۲- نشانه راستین بودن .
- ۳۳- کام شیرین کن، هدیه .
- ۳۴- حقوق خانواده در اسلام .
- ۳۵- نظام حقوق زن در اسلام .
- ۳۶- روضة المتقین، جلد ۸ .
- ۳۷- آیه ۲۳۷، سوره بقره .
- ۳۸- بر اساس رأی همه فقهای اسلام .
- ۳۹- این امر در سنت اسلامی و در زمان پیامبر و ائمه رایج بود .
- ۴۰- تغییر شناسنامه زن .
- ۴۱- هر روز به رنگی آن بت عیار درآید !!
- ۴۲- آیه ۱، سوره مائده .
- ۴۳- آیه ۱۰، سوره ممتحنه .
- ۴۴- آیه ۵، سوره نساء .
- ۴۵- آیه ۳۴، سوره نساء .
- ۴۶- در برخی از آمارها میزان طلاق را تا ۶۰ درصد نوشته اند .
- ۴۷- نظام حیات خانواده در اسلام .
- ۴۸- آیه ۲۱، سوره روم .
- ۴۹- آیه ۱۸۷، سوره بقره .
- ۵۰- علامه طباطبایی، المیزان .
- ۵۱- آیه ۴۵، سوره ذاریات .
- ۵۲- النکاح سنتی، پیامبر (ص) .